

ویژگی‌های آرمانی معماری انقلاب اسلامی ایران

مهدی حمزه‌نژاد*
زهرا رسولی**
سید عباس یزدانفر***

چکیده

هدف از این تحقیق ارائه مفاهیم و اصول بنیادین معماری انقلاب اسلامی از دیدگاه صاحب نظران و تئوری‌پردازان انقلاب است. روش تحقیق به صورت تحلیل محتوای کیفی است. اصول معماری انقلاب اسلامی با تحلیل شعارها، سخنان و آرمان‌های انقلابی مرتبط با هنر و معماری استخراج گردیده است. به نظر می‌رسد برای تداوم مسیر انقلاب اسلامی و تحقق آرمان‌های آن در زمینه معماری باید این اصول را به کار گرفت. تحقیق پیش رو به ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی از معماری انقلاب اسلامی ایران که عبارتند از هویت، زیبایی ساده، میزان جهانی شدن و سلامت‌محوری دست یافت. هر کدام از این ویژگی‌ها به زیرشاخه‌های ریزتری تقسیم می‌شوند و جزئیات بیشتری از رابطه آرمان‌های انقلاب و معماری مطلوب و مورد نظر به دست می‌دهند.

واژگان کلیدی

معماری در انقلاب اسلامی، اصول اسلامی - ایرانی، معماری معاصر ایران.

مقدمه

معماری معاصر ایران تحولات گوناگون و فراز و فرودهای زیادی را به خود دیده است. تقسیم‌بندی‌های

hamzenejad@iust.ac.ir
rasouli68@gmail.com
yazdanfar@iust.ac.ir
تاریخ پذیرش: ۹۴/۳/۲۵

*. استادیار دانشگاه علم و صنعت.
**. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری دانشگاه علم و صنعت.
***. استادیار دانشگاه علم و صنعت.
تاریخ دریافت: ۹۳/۶/۱

متفاوتی از معماری این دوران وجود دارد، ولی آنچه بین همه آنها مشترک است اختصاص بخشی از این تقسیم‌بندی به دوران پس از انقلاب است.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۵۷، تحولات بنیادی و اعتقادی عمیقی را ایجاد کرد که بر روی زوایای مختلف جامعه از سیاسی و اقتصادی گرفته تا اجتماعی و فرهنگی تأثیر گذاشت. رهبری انقلاب و مردم دارای آرمان‌هایی مشترک بودند و پیوسته این آرمان‌ها را در شعارهای قبل و بعد از پیروزی، برای تحقق عملی مطالبه می‌کردند. بحث در این مقاله به معماری به عنوان یک عنصر جدا نشدنی از جامعه برمی‌گردد که مطمئناً از شرایط انقلابی تأثیر می‌گیرد.

حداقل نگاهی که نسبت به معماری انقلاب اسلامی می‌توان داشت، نگاه محدود کننده است. به این معنا که انقلاب اسلامی ایران انقلابی در سطح معماری نداشته و پیرو معماری جهان است و تنها تفاوتی که وجود دارد این است که با اعمال شاخصه‌های آرمانی انقلاب، مانند سادگی، استقلال و ... می‌توان به معماری انقلاب دست یافت. در این نگاه جایگاهی برای سبک و مکتب معماری انقلاب اسلامی وجود ندارد. به گفته باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی:

در معماری اروپا چند بار بازگشت به عقب داشتیم ولی در معماری ایران همیشه حرکت رو به جلو بوده ... نگفتیم باید حرف خود را رها کنیم ... همیشه گذشتگان را پشتوانه امروز دانستیم چنانچه امروز هم همین حرف را می‌زنیم. (حاج قاسمی، ۱۳۸۸: ۴۳)

شیرازی، رکود و تکرار حاکم بر معماری و هنر برخی ملل در برخی دوره‌ها را در معماری تاریخی ایران چندان پررنگ نمی‌بیند و سیر کمال‌گرا با وقفه‌هایی گذرا را در تاریخ معماری ایران تشریح کرده است. با این حال این اشکال در سخن او وجود دارد که همه بازگشت‌های رخ داده در سنت‌های غربی منفی نیستند و گاه در نمونه‌هایی مثل رنسانس، گذشته دستمایه‌ای برای شکل‌گیری هویتی ارزشمند در معماری جدید گردید. شیرازی این سخن را در نگرانی نسبت به تفسیر بازگشت‌گرا در معماری انقلاب اسلامی بیان کرده که می‌تواند به تکرار گذشته و عدم پیشرفت در عرصه جهانی بیانجامد. شاید تندترین انتقادهای را بتوان در سخن صریح سید رضا هاشمی دید که معتقد است:

کوشش چهل ساله اقتباس معماری جدید که مشخصاً با تأسیس اولین دانشکده معماری در دانشگاه تهران شروع شد با پیروزی انقلاب اسلامی متوقف گردید و این توقف هنوز ادامه دارد ... به هر تقدیر بیست سال فرصت را از دست داده‌ایم، آن هم در شرایطی که سرعت تحولات چند برابر شده است. هیچ نیروی تازه‌ای وارد دانشگاه‌ها نشد، در حالی چندین برابر دانشگاه‌هایی که در زمان انقلاب داشتیم در سراسر کشور درست کردیم. (هاشمی، ۱۳۷۹: ۲)

در نگاهی ریزبینانه‌تر، مسئله به این سادگی به نظر نمی‌رسد. اعتراض هاشمی اگرچه در مورد پررنگ شدن

کمیت‌گرایی در توسعه معماری بعد از انقلاب درست باشد، سخنی است کاملاً اجرایی و نمی‌توان از آن نادرستی چنین تحول عظیمی را نتیجه گرفت. انقلاب اسلامی بر اساس ضرورت‌های فکری و فرهنگی با آرمان‌های متعالی در جهت تکامل فرهنگی - اجتماعی ظهور یافت. این انقلاب تک‌تک عناصر جامعه را در این حرکت مؤثر می‌داند؛ زیرا با همین حرکت حداکثری رویش یافته و پیروز شده است. معماری به عنوان یکی از مظاهر فرهنگی، تأثیر بسزایی در این حرکت و اعتلا دارد. انقلابی رخ داده که مبانی آن مبانی اسلام و مبارزه با استکبار جهانی است و انتظار سبک و مکتبی از معماری می‌رود که با ایدئولوژی انقلاب هم‌خوانی داشته باشد و به آن کمک کند. به این ترتیب، معماری هم دچار تحول می‌گردد و چنین تحولی ممکن است تا چند دهه برای تعمیق و یافتن مسیر و جهت‌گیری خود به مجال نیاز داشته باشد و به صرف سازمان داشتن معماری قبلی و در هم ریختن سازمان آن نمی‌توان این تحول را منفی دانست. با این حال، این توجه او به‌جاست که بخش قابل توجهی از معماری قبل از انقلاب با آرمان‌های بعدی نیز قابل جمع بود و ضرورتی به چنین رویکرد نفی‌کننده نسبت به همه عرصه‌های معماری پیشین وجود نداشت.

اینجاست که این سؤال مهم مطرح می‌شود که مهم‌ترین ویژگی‌های آرمانی قابل تطابق با انقلاب اسلامی چیستند و چه نوع معماری را می‌توان در این دوره انتظار داشت و ترویج کرد؟ در این مقاله سعی شده با عمیق شدن در شعارها و آرمان‌های رهبران انقلاب و چندی از افراد منتسب به آنها، اصول و جهش مطلوب نسبت به مسائل مربوط به معماری استخراج گردد.

پیشینه تحقیق

مطالعات نظری در ماهیت معماری انقلاب اسلامی

در این زمینه تحقیقات اندکی انجام شده است و همین تحقیقات هم موضوع کلان‌تر و مهم‌تر معماری اسلامی را به عنوان مبنای معماری انقلاب بررسی کرده و آن را به انقلاب نسبت داده‌اند و وارد بررسی شخصیت‌شناسانه معماری این دوران نشده‌اند. از جمله این افراد می‌توان نقره‌کار و نقی زاده را نام برد.

نقره‌کار تنها به این بسنده می‌کند که نسبت تحقق مصادیقی معماری اسلامی سبب می‌شود که معماری دوران انقلاب هم در بستر شرایط گوناگون اقتصادی و سیاسی آن تشریح گردد و از هرگونه تحلیل آرمان‌گرا پرهیز می‌کند. چنین نگاهی موفقیت‌های نسبی را در این دوره نشان می‌دهد. (نقره‌کار، ۱۳۸۸) نقره‌کار و همکارانش در کتاب *هویت اسلامی در معماری و شهرسازی* تلاش کرده‌اند با استمداد از اندیشه‌های امام خمینی ره و شهید مطهری مبانی نظری معماری اسلامی را برای تحقیقی که برای وزارت مسکن آن زمان نوشته‌اند مشخص کنند. در این کتاب، معماری اسلامی در مسیری کاملاً متفاوت از فضای رویکرد صوفیانه به معماری اسلامی که در نگاه اردلان و نصر بود مطرح گردیده است که تا حدودی مسیر آن را از مطالعات دیگر نظریه‌پردازان معماری اسلامی جدا می‌کند.

نقی‌زاده نیز اگر چه مسیری متفاوت با رویکرد صوفیانه قبل از انقلاب در حوزه معماری اسلامی دارد، ولی باز هم تنها اصول و شاخصه‌های کلی اسلامی را مطالعه کرده و تلاشی برای شخصیت‌شناسی و شیوه و زبان خاص این دوران در ظهور ارزش‌های اسلامی که بعدها سبب تمایز دوره انقلاب از دیگر دوره‌ها می‌شود نکرده است. (نقی زاده، ۱۳۸۹: ۲۱)

تحقیقات دیگری نیز در این زمینه انجام شده که علاوه بر بررسی موضوع کلان‌تر معماری اسلامی، علت وارد نشدن به بررسی شخصیت‌شناسانه معماری انقلاب اسلامی را نبود برنامه مشخص و تدوین شده برای معماری از سوی انقلاب می‌دانند. از جمله این افراد می‌توان ندیمی و حجت را نام برد.

ندیمی معتقد است که اصول تدوین شده‌ای برای معماری انقلاب اسلامی وجود ندارد. او معماری این دوران را در مرحله بحران هویت می‌داند که در کنکاش برای یافتن مبانی و ارزش‌های لازم است. (ندیمی، ۱۳۷۰: ۴) حجت، هدف انقلاب اسلامی را در زمینه معماری احیای هویت گذشته می‌داند. (حجت، ۱۳۷۴: ۳۴ - ۳۲) او معتقد است برخلاف پیروزی انقلاب در سال پنجاه و هفت، انقلاب معماری هنوز انجام نشده و ما در مرحله آغاز فعالیت‌های انقلابی هستیم. (حجت، ۱۳۹۳)

مطالعات آثار معماری دوران انقلاب اسلامی

بیشتر مطالعات انجام شده در زمینه معماری انقلاب اسلامی به مطالعات آثار این دوران بازمی‌گردد. این تحقیقات فارغ از در نظر گرفتن اصولی برای معماری انقلاب، تنها به تحلیلی شکلی با حساسیت به بحث سنت و تجدد و یا حساسیت‌های بوم‌شناسانه بسنده کرده‌اند. از جمله این افراد می‌توان حبیبی، بانی مسعود، حسینی، نیک فطرت و موسی‌پور را نام برد.

حبیبی، معماری و شهرسازی سال‌های ۱۳۸۰ - ۱۳۶۰ را به سه دوره تقسیم می‌کند: «۱. فرهنگ‌گرایی؛ در بخش‌هایی از فضاهاى دانشگاهی؛ ۲. نوآوری؛ ۳. فرانوآوری که این دو رویکرد تحت تأثیر سبک‌های جهانی به سنت و تجدد توجه کرده‌اند». حبیبی حساسیتی را نسبت به محتوی این دوره نشان نمی‌دهد. (حبیبی، ۱۳۸۵: ۶۴ - ۵۴)

امیر بانی مسعود در بررسی معماری معاصر ایران، آخرین بخش را به دوران جمهوری اسلامی اختصاص داده و گرایش‌های معماری بعد از انقلاب اسلامی را در هشت گروه به صورت شماتیک دسته‌بندی می‌کنند:

۱. احیای عین به عین معماری سنتی ایران، ۲. بوم‌گرایی، ۳. گرایش تفننی به سبک‌های معماری غربی، ۴. تداوم مباحث معماری مدرن متعالی، ۵. تلفیق مفاهیم و عناصر معماری ایرانی با تکنولوژی و معماری مدرن، ۶. گرایش به تکنولوژی برتر، ۷. گرایش به نئومدرن، ۸. معماری کامپیوتر. (بانی مسعود، ۱۳۸۸: ۳۳۸)

اکرم حسینی، معماری معاصر تهران بین سال‌های ۱۳۶۰ الی ۱۳۸۵ را به شش گرایش که هر کدام

دارای زیر مجموعه‌هایی هستند تقسیم می‌کند: «۱. اقتباس از معماری تاریخی؛ ۲. گرایش مدرن؛ ۳. گرایش پست مدرن؛ ۴. گرایش فن‌آورانه؛ ۵. گرایش ساختارزدا؛ ۶. گرایش عوام‌پسند». سپس بناهای ساخته شده در این دوران را با توجه به کدبندی شاخصه‌های معماری، در این گروه‌ها قرار می‌دهد. (حسینی، ۱۳۹۰: ۲۶-۱۷)

در این تحقیق، تقسیم‌بندی‌های ریزتری از گرایش‌های نام برده وجود دارد که بعضی در بخش‌ها شباهت‌های زیادی با هم پیدا می‌کنند که تمییز آنها از هم جای بحث دارد. همچنین نمونه‌های مورد مطالعه فارغ از کارفرمای دولتی یا خصوصی بررسی شده‌اند.

نیک‌فطرت و موسی‌پور نیز پس از تقسیم‌بندی معماری معاصر به چهار دوره، در چهارمین دوره، معماری انقلاب اسلامی را به سه دهه تقسیم‌بندی می‌کنند و گرایش‌های دولت و معماران مخصوص به هر دوره را بیان می‌کنند. در نهایت به این جمع‌بندی می‌رسند که دوران معماری معاصر ایران همواره تلاش بر این داشته که همزمان با حضوری شاخص در معماری جهان، ادامه دهنده معماری سرزمین کهن خویش باشند. اگرچه این حرکت هنوز به نیروها و مسیر واقعی خود دست نیازیده ولی می‌تواند بر خود بیابد که به استمرار خود تا رسیدن به هدف نهایی ادامه می‌دهد. (نیک فطرت و موسی پور، ۱۳۹۰: ۱۶)

در این تقسیم‌بندی‌ها هیچ اعتنایی به بعد معنایی گرایش‌ها نشده است. سبک‌ها و گرایش‌های هماهنگ با جریان جهانی مد نظر قرار گرفته است. به معماری این دوران صرفاً با شاخصه‌هایی بومی و جهانی نگاه شده است و روی شاخصه‌های انقلابی دغدغه خاصی حس نمی‌شود.

از جمع‌بندی ادبیات پژوهش برمی‌آید که تاکنون مطالعه عمیقی بر روی مفهوم و ایدئال‌های معماری انقلاب اسلامی و شیوه تحقق معمارانه آنها نشده است. ابتدا باید این اصول شناخته و تحلیل شوند سپس شیوه بروز و ظهور معمارانه آنها تدوین گردد.

روش تحقیق

در این تحقیق از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. بدین منظور منابع و اسناد کتابخانه‌ای مرتبط با موضوع و همچنین شعارها، سخنرانی و مصاحبه‌های رهبران و انقلابیون گردآوری شد که مبین موضع انقلاب درباره هنر و معماری است. با بررسی و تحلیل منابع به دست آمده، ویژگی‌ها و شاخصه‌های انقلاب اسلامی ایران مانند هویت، حد تجمل و زیباشناختی، علمی و عملی بودن در رابطه با جهانی شدن و سلامت‌محوری استخراج گردید.

در بخش بعدی، ترجمه معمارانه ویژگی‌های به دست آمده از معماری انقلاب صورت گرفت. در حقیقت باید چگونگی عینیت بخشیدن به اهداف و آرمان‌ها در بنا مشخص شود. این امر از آن جهت اهمیت دارد که امکان رعایت این اصول را برای معماران فراهم می‌کند. از طرف دیگر امکان استخراج معیار و شاخصه‌هایی از آن وجود دارد که می‌توان به کمک آنها ارزیابی بناها و تقسیم‌بندی آنها بر اساس اصول انقلابی را انجام داد.

مفهوم‌شناسی واژه‌ها در معماری

معماری بُعدی زبانی دارد که از طریق آن واژه‌های تبیین‌گر معماری مفاهیم فرهنگی و اجتماعی خود را به ظهور می‌رساند. شولتز به عنوان یک پدیدارشناس معماری برای تبیین زبان معماری آن را در سه ساحت «گونه‌شناسی»،^۱ «ریخت‌شناسی»^۲ و «موضع‌شناسی»^۳ معرفی کرده است. (شولتز، ۱۳۸۷: ۱۳۷)

۱) گونه‌شناسی: گونه‌ها در واقع مانند واژه‌ها در زبان، مفاهیمی عام و فارغ از زمان و مکان هستند و گونه‌شناسی در معماری، یعنی دانش دسته‌بندی این مفاهیم عام معمارانه، بر پایه مشخص. (قهرمانی، ۱۳۹۰: ۱۲۷ و ۱۲۹) در واقع، گونه‌شناسی همچون روحی بر ریخت‌شناسی و موضع‌شناسی است و اگر وجود نداشت هر اثری یکه و بی‌معنا می‌شد.

در این تحقیق تلاش می‌شود معماری انقلاب اسلامی به مثابه یک گونه صورت‌بندی گردد.

۲) ریخت‌شناسی: شولتز، ریخت‌شناسی در معماری را به عنوان کلیتی سه بعدی توضیح می‌دهد. (همان) هر گونه، ریخت‌شناسی خاص خود را دارد.

نما، سیما و تعابیر گوناگونی همچون منظر ساختمان، کالبد، فرم، گشتالت، زیبایی‌شناسی در معماری و... همگی در همین مقوله جای می‌گیرد. این حوزه یکی از مهم‌ترین مظاهر تعریف هویت در معماری است و ابزار بیان آن مصالح معماری و نقشه‌های مهندسی از نماها و مقاطع است.

۳) موضع‌شناسی: این مفهوم به تبیین نسبت میان دو اصطلاح درون و بیرون می‌پردازد. در واقع، روابط موضع‌شناختی به عنوان پایه‌ای برای شناخت مکان محسوب می‌شوند. (همان)

ساختار روابط فضاها که در طرح پلان ظاهر می‌شود بیانی از اولویت‌بندی زندگی انسان و نسبت زندگی درونی او با زندگی اجتماعی او را به نمایش می‌گذارد. فرهنگ‌های گوناگون با مبانی مختلف، نتایج موضع‌شناسی مختلفی در معماری ایجاد می‌کند. معماری انقلاب اسلامی را می‌توان در همین ساختار با طرح ویژگی‌های حاکم بر سیماشناسی، موضع‌شناسی و گونه‌شناسی مورد بررسی قرار داد.

معماری و تحول آن در انقلاب

انقلاب در لغت به معنای دگرگون شدن، برگشتن، تغییر و تحول است (عمید، ۱۳۵۶: ۶۷) و در اصطلاح، عبارتست از طغیان و عصیان که مردم علیه نظم حاکم موجود برای ایجاد وضع و نظامی مطلوب انجام می‌دهند. (مطهری، ۱۳۹۱: ۵۹) انقلاب‌های بزرگ به آن دسته از انقلاب‌ها گفته می‌شود که با تغییرات اساسی در حکومت و ساختار اجتماعی یک کشور یا جامعه همراه بوده‌اند که از آن جمله می‌توان به انقلاب کبیر فرانسه و روسیه اشاره کرد.

1. Typology.
2. morphology.
3. topology.

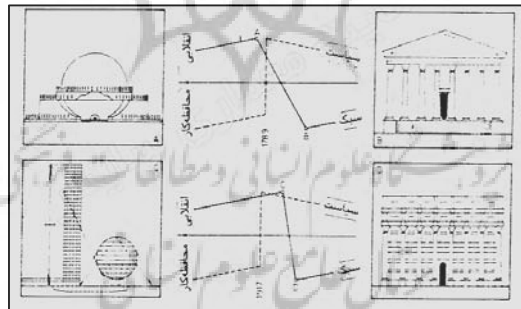
هر جامعه‌ای با هر سیستمی که اداره شود، دارای ایدئولوژی، اهداف و آرمان‌های خاص خود است. یکی از مهم‌ترین پایه‌های قدرت انقلاب‌ها ایدئولوژی آنهاست. وظیفه اصلی فرهنگ، نمایش این ایده‌های ذهنی به وسیله نمود اشکال عینی است. در فرایند این استحاله، معماری نقش اساسی بر عهده دارد. (گروتز، ۱۳۷۵: ۵۳)

بررسی‌های انجام شده در زمینه مناسبت قدرت و معماری نشان می‌دهد که فرم‌ها و فضاهایی که معماری ایجاد می‌کند با قدرت سیاسی حاکم بر جامعه رابطه دارد و از آن تأثیر و تأثر می‌گیرد. (فوکو، ۱۳۷۸)

بنابراین، انقلاب که دگرگونی و جابجایی قدرت‌هاست از این امر مستثنا نیست و این تحول قدرت روی معماری تأثیر می‌گذارد. با ظهور هر انقلاب از آنجایی که مفاهیم و آرمان‌ها تغییر می‌کنند، موضع‌شناسی و ریخت‌شناسی معماری‌ها نیز دچار تحول بزرگ می‌شوند. قدرت تازه به وجود آمده بعد از انقلاب‌ها طبیعتاً از هر وسیله‌ای از جمله هنر و معماری برای استحکام پایه‌های قدرت خود استفاده می‌کند.

هنر معماری به دلیل دارا بودن ابعاد مهندسی و علوم انسانی از دیگر هنرها همچون نقاشی پیچیده‌تر است. معماری مخلوطی است از دانش و هنر و به همین دلیل همیشه بین دو قطب تعقل و احساس در رفت و آمد است. معماری تحت تأثیر ایدئولوژی حاکم بر جامعه، گاه به این سو و گاه به آن سو می‌رود و در نتیجه سبک معماری نیز همین تغییرات را نشان می‌دهد. (گروتز، ۱۳۷۵: ۵۵)

نتایج تحقیقات فوگت بر روی انقلاب فرانسه و روسیه نشان می‌دهد، جهت سبک معماری درست بر خلاف جهت تحولات سیاسی است؛ زیرا جهت سبک معماری از سبکی نسبتاً انقلابی به طرف سبکی محافظه‌کارانه است. تحولات معماری پیش، همزمان و پس از انقلاب فرانسه (۱۷۸۹) و انقلاب روسیه (۱۹۱۷) که جزء انقلاب‌های کبیر به حساب می‌آیند از معماری انقلابی با ویژگی‌های سرد، سخت و سبک به معماری کلاسیک با ویژگی‌های گرم، نرم و سنگین گرایش یافته است. دلیل این امر این است که ثبات سیاسی بایستی از طریق فرم بصری نشان داده می‌شد و این از طریق معماری عملی است که وزن دارد و روی پای خود ایستاده است و نه اینکه در حالت تعلیق به نظر برسد. (همان)



تصویر ۱. تحولات سبک معماری قبل (سمت چپ) و بعد (سمت راست) از انقلاب در فرانسه (بالا) و روسیه (پایین).

(به نقل از فوگت). گرایش از سبک انقلابی به سبک محافظه‌کار در معماری پس از انقلاب. (گروتز، ۱۳۷۵: ۷۹)

در نتایج این تحقیقات، ارتباط بین معماری و انقلاب مسلم به نظر می‌رسد، ولی این موضوع که هر انقلابی چه نوع تغییراتی در معماری جامعه به وجود می‌آورد بستگی به ایدئولوژی حاکم و مفاهیم گذشته و تاریخی آن سرزمین دارد. از این رو انقلاب ایران که با نام و ایدئولوژی اسلامی رخ داده، برای استحکام پایه‌های قدرت خود، خواستار معماری است که اسلامیت و هویت ایرانی را به نمایش بگذارد.

اصول نظری معماری انقلاب اسلامی

به عقیده شهید مطهری، انقلاب ایران دارای ماهیت اسلامی همه‌جانبه است، نه صرف جنبه معنوی به معنای عبادت و نیایش بلکه از جنبه مادی، آزادی‌خواهی و جنبه‌های دیگر نیز اسلامی است. بنابراین مبنای تداوم آن در آینده هم به صورت همه‌جانبه خواهد بود. (مطهری، ۱۳۹۱: ۷۴) منبع این ماهیت اسلامی نیز چیزی جز قرآن، سنت اهل بیت، اندیشه فقها و متفکران اسلام‌شناس نیست.

هنر و معماری نیز از جهت دارا بودن عنصر مادی و القای مفاهیم معنوی، سهم بسزایی در تجلی ماهیت انقلاب اسلامی دارد و بنا به سخنان شهید مطهری، کشف ماهیت اسلامی که انقلاب برای معماری مطالبه می‌کند، نه تنها برای امروز بلکه برای تداوم انقلاب نیز حائز اهمیت است. نکته مهمی که در استخراج ویژگی‌ها و اصول معماری انقلاب اسلامی وجود دارد، این است که اگر معماران خود به طور مستقیم و بدون داشتن تخصص لازم به منابع اصلی اسلامی ذکر شده رجوع کنند ممکن است دچار انحراف گردند. سخنان و راهنمایی‌ها در زمینه معماری از سوی رهبران انقلاب و مشاوران هنری ایشان که از نظریه‌پردازان انقلاب هستند، در حقیقت ارائه ترجمه و تفسیر اسلامی و انقلابی در زمینه معماری از سوی اسلام‌شناسان و هنرشناسان است. استفاده از این سخنان برای معماران، نه تنها علمی‌تر و صحیح‌تر بلکه سهل‌الوصول و قابل درک‌تر است. از این رو اصول معماری انقلاب اسلامی از تحلیل سخنان این بزرگان استخراج گردید که در ادامه به بیان آن پرداخته شده است.

۱. هویت

هویت و هویت‌شناسی از تأکیدات همیشگی بنیانگذار فقید انقلاب اسلامی است. ایشان بارها بر ضرورت هویت‌یابی و هویت‌شناسی در جوامع شرقی و دینی خصوصاً «ایران» تأکید فرمودند. مقام معظم رهبری نیز با طرح بحث «تهاجم فرهنگی» به ضرورت بازشناختن و بازسازی هویت اسلامی و انقلابی توجه کرده‌اند. ایشان اصلی‌ترین و ضروری‌ترین وظیفه کشورها را در مقابل تهاجم عظیم فرهنگی غرب، تلاش در جهت بازیابی هویت فرهنگی خویش و احیای دوباره آن می‌دانند. (نقره‌کار و همکاران، ۱۳۸۸)

هویت، یک مفهوم عام و قابل تسری به همه بخش‌های فرهنگی از جمله معماری است. در حقیقت، هنر و معماری به مثابه شناسنامه شهر می‌ماند که نشانگر هویت، فرهنگ و ارزش‌های جامعه است. (ولایتی، ۱۳۹۲)

برای هویت داشتن، باید مجموعه‌ای از ویژگی‌ها در چیزی جمع باشد. تقسیم‌بندی‌ها و ویژگی‌های گوناگونی از هویت معماری از نظریه‌پردازان حوزه معماری مطرح شده است. (همان) تقسیم‌بندی ویژگی‌های معماری با هویت با توجه به موضوع مورد بررسی این مقاله در سه بعد اسلامی، انقلابی و ایرانی قابل بحث است.

یک. اسلامی

انقلاب ایران با قرار گرفتن پایه و اصول اسلامی در کنار دیگر اصول بومی و ایرانی به پیروزی رسید و این پایه آن قدر تأثیرگذار و قوی بود که انقلاب سال پنجاه و هفت، انقلاب «اسلامی» ایران نام گرفت. توصیه‌های مکرر رهبران و بزرگان انقلاب نیز در زمینه هنر و معماری، توجه به فضیلت‌ها و معارف والای دینی و الهی است. (ر.ک: خامنه‌ای، ۱۳۸۰)

ماهیت انقلاب ما در همه جنبه‌ها اسلامی است؛ در نتیجه، اسلامی بودن هنر از مهم‌ترین ارزش‌های یک اثر محسوب می‌شود. این معیار نه تنها به عنوان یک ویژگی خاص برای یک بنا بلکه به عنوان ابزار تبلیغاتی برای دین نیز در نظر گرفته می‌شود.

به برکت انقلاب اسلامی، تحقیقات وسیعی در زمینه معماری اسلامی بعد از انقلاب در دانشگاه‌ها انجام شده است. با توجه به گستردگی این موضوع، تعاریف متعدد و جنبه‌ها مختلفی از این مسئله مورد ارزیابی قرار گرفته است. سطوح متفاوتی از درک معماری اسلامی وجود دارد. به طور کلی درک هر نوع ارتباطی در جهان پدیدارها بر مؤلفه مهمی به نام نشانه مبتنی است. (Chandler, 2007) نشانه در عرصه هنر و معماری دارای اهمیتی مضاعف است؛ زیرا هنر برای ورود به عرصه معنا و محتوا جز رمزپردازی و شیوه‌های نمادگراییانه راه دیگری ندارد. (نقره‌کار، ۱۳۸۸: ۱۶ - ۱۴) در سطوح ابتدایی نشانه، بین صورت و معنا رابطه قراردادی وجود دارد که نماد نامیده می‌شوند. (صفوی، ۱۳۸۳: ۱۶) در سطوح بالاتر برای فهم رابطه بین صورت و معنا نیازی به قرار داد نیست و نشانه به گونه‌ای طبیعی رابطه آن دو را بیان می‌کند. این سطوح در ابعاد مختلف معماری از جمله ریخت‌شناسی و موضع‌شناسی به کار گرفته می‌شوند.

دو. انقلابی

از اصلی‌ترین شعارها و مطالبات انقلاب اسلامی مبارزه با استکبار است. امام خمینی علیه السلام از همان سال‌های ابتدایی مبارزاتشان این مسئله را مطرح کردند و در سال‌های بعد از پیروزی برای نشان دادن خطمشی هنر و معماری بر آن تأکید کردند. ایشان هنری را مورد پسند انقلاب می‌دانند که تقلیدی و اثری از وابستگی نداشته باشد، بلکه غرورآفرین و نشانه آزادی باشد.

هم در اوایل انقلاب و هم در شرایط امروز، معماری جهانی پیرو معماری قدرت‌ها بوده و هست که به دیگر کشورهای جهان سرایت می‌کند. از این رو، تحقق این اصل مستلزم هوشیاری جدی در برخورد با معماری جهانی است. انقلابی بودن معماری به معنای رد معماری جهانی نیست، ولی آنچه از هنر بیگانه که

هویت معماری ما را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و ممکن است در وجوه گوناگون نماد و نشانه و مفهوم ظهور کند، متضاد با آرمان‌های انقلاب است.

شاخص‌ترین ویژگی معماری انقلاب اسلامی همین هویت انقلابی اثر است؛ زیرا باعث می‌شود بنا از ویژگی‌هایی ارزشی در زمینه اسلامی که قبل از انقلاب هم وجود داشت فراتر رود. یک معمار که اهل تقلید صرف از الگوهای قبلی و تکرار آنها نیست و پیوسته دغدغه رفع کاستی‌ها و اصلاح آثار موجود را دارد، یک هنرمند انقلابی است. هنگامی که کاربران بنا از تغییرات اعمال شده، آسایش و رضایت بیشتری داشته باشند در واقع، روح انقلابی اثر را تحسین کرده‌اند.

سه. ایرانی

اسلام دینی فرا زمانی و فرا مکانی است. برای پیاده کردن اسلام در هر زمان و هر منطقه جغرافیایی، می‌توان الزامات آن زمان و مکان خاص را حفظ و رعایت کرد. ویژگی‌های بومی و زبان معماری ایرانی از هویت مردم سرزمین ایران سرچشمه می‌گیرد و دین کامل و جامع اسلام از این مهم چشم‌پوشی نمی‌کند. تأکیدات رهبر انقلاب به خصوص در سال‌های اخیر مبنی بر ایجاد الگوی معماری اسلامی - ایرانی نیز از همین حیث است (خامنه‌ای، ۱۳۸۶) و علاوه بر دارا بودن هویت اسلامی و انقلابی اثر معماری بر هویت ایرانی آن نیز توصیه کردند. ایشان در این زمینه می‌فرمایند:

همچنان که در گذشته توجه به شاخصه‌های اسلامی در کنار ویژگی‌های ایرانی جامعه، منبع بروز حادثه انقلاب اسلامی گردید، در حال حاضر نیز می‌بایست با توسل به همان منابع در راستای ایجاد شهرهای مبتنی بر اصول اسلامی اقدام نمود. رعایت شاخصه‌های بومی و به خصوص شاخصه‌های اسلامی در شهرسازی و خانه‌سازی بسیار مهم است. (خامنه‌ای، ۱۳۸۳)

برای تحقق این اصل ابتدا باید به خوبی شرایط بومی ایران زمین و معماری مختص به آن را شناخت. طراحی معماری با توجه به اقلیم منطقه و استفاده از مصالح بومی در این بخش حائز اهمیت است. از طرف دیگر وقتی از معماری اسلامی - ایرانی صحبت می‌شود یک رکن بسیار مهم به نام فرهنگ ایرانی به میان می‌آید که فراتر از رعایت شرایط اقلیمی و بومی منطقه است. فرهنگ ایرانی، ریشه‌ای عمیق در سبک زندگی ایرانیان دارد که در آثار معماری آنها بروز و ظهور یافته است. اسلام با فرهنگی که مغایر دستورات خداوند نباشد، نه تنها مخالفتی ندارد بلکه رعایت آن را به علت ریشه‌داری توصیه نیز می‌کند؛ مانند زمان ورود اسلام به ایران که آتشکده‌ها با همان فرم و پلان و تزئینات و اعمال تغییراتی اندک به مسجد تبدیل شدند. بنابراین، برای تأمین هویت ایرانی اثر باید مفاهیم فرهنگ‌های صحیح در آن دیده شود و نوعی یادآوری و تذکر ایجاد کند.

چهار. دارای سبک

ایجاد سبکی از معماری مختص دوران انقلاب اسلامی از چشم‌اندازهای نظریه‌پردازان است:

امروز باید با محور قرار دادن اسلام، با گذشته آشتی کنیم ... باید با این هویت آشتی کرد و آن را استمرار بخشید و خودمان را در عرصه معماری از نو تعریف و جلوه‌گر کنیم و برای آینده سبکی از معماری را به عنوان سبک معماری و شهرسازی دوران انقلاب اسلامی به میراث بگذاریم.
(حداد عادل، ۱۳۸۷)

سبک معماری از مطالعه بر روی روند تکامل تاریخ معماری نشأت می‌گیرد و با آن پدیدار می‌گردد. از آنجاکه معماری کهن ایران زمین قبل از تأثیرپذیری از معماری غربی، سبک معماری خاص خود را داشته است، (خامنه‌ای، ۱۳۷۴) می‌توان با مطالعه تاریخی بر روی آن و به کمک ویژگی‌های اسلامی و انقلابی ذکر شده به محتوی سبک معماری دوران انقلاب، متناسب با آرمان‌هایش دست یافت. برای تشکیل یک سبک از معماری علاوه بر ویژگی‌های محتوایی و هویتی انقلاب، فرم، تکنیک، مواد و مصالحی لازم است که زبان سبکی معماری دوران انقلاب اسلامی را تعریف و آن را نسبت به دیگر سبک‌ها دسته‌بندی کند. در ادامه ویژگی‌های مورد نظر برای این عناصر در معماری انقلاب اسلامی بررسی خواهد شد.

۲. زیبای ساده

مبارزه با اشرافی‌گری و تجمل از مواضع اصلی انقلاب اسلامی و پایه‌ها تشکیل آن است. امام خمینی علیه السلام و رهبر معظم انقلاب همواره در زندگی شخصی خود نیز این مهم را رعایت کرده‌اند. سادگی جنبه ارزشی دارد و تجمل‌گرایی و اشراف‌گرایی جایی در اصول انقلاب اسلامی پیدا نمی‌کند. بدین ترتیب معماری‌ای مد نظر و صاحب ارزش است که ساده و ضد تجمل باشد.

امام خمینی علیه السلام در نامه‌ای طی صدور اجازه ساخت مصلی نماز جمعه تهران، فرمودند:

سادگی مصلای باید یادآور سادگی محل عبادت مسلمانان صدر اسلام باشد و شدیداً از زرق و برق ساختمان‌های مساجد اسلام آمریکایی جلوگیری شود. (امام خمینی، ۱۳۶۷)

ایشان در تعریف هنر زیبا و پاک می‌فرمایند: «هنری زیبا و پاک است که ... نابود کننده اسلام رفاه و تجمل باشد». (امام خمینی، ۱۳۶۹: ۲۱ / ۳۰) تجمل در لغت به معنای «آرایش کردن و زیبا شدن» است و به این معنا نه تنها مورد مذمت نبوده، بلکه مدح و ستایش نیز شده است، ولی تجمل (زینت) در اصطلاح - با توجه به قرآن کریم و احادیثی که در مذمت وابستگی به دنیا وارد شده - رفاه‌زدگی، دنیازدگی، اسراف، خوش‌گذرانی بی‌حد و مرز، کثرت‌طلبی در ثروت، بی‌توجهی به قناعت کردن و... معنا می‌شود. تجمل‌گرایی به معنای اخیر یک بیماری روان‌شناختی و یک رذیلت اخلاقی است. متأسفانه امروزه شاهد اشرافی‌گری و زیاده‌روی‌هایی در جامعه هستیم که آفت انقلاب به حساب می‌آیند و بیانات اخیر رهبر معظم انقلاب نیز بر نفی و نهی آن به خصوص در میان مسئولین تأکید دارد.

اولین ضعف ما گرایش به دنیاطلبی بود... بعضی از ما مسئولین دچار دنیاطلبی شدیم... برای ما

ثروت، تجمل، آرایش، تشریفات و اشرافی‌گری یواش یواش از قبح افتاد. وقتی ما دچار شدیم در مردم هم این مسئله پیدا می‌شود. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰)

بنابراین، سادگی و بدون تجمل بودن یک اثر هنری نافی زیبایی و جذابیت آن نیست. به فرموده مقام معظم رهبری:

زیبایی یک چیز تجملاتی نیست، زیبایی یکی از لوازم زندگی انسان است و زندگی را آسان و شیرین می‌کند. «ان الله الجمیل و یحب الجمال». (خامنه‌ای، ۱۳۸۳)

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های تمییز دهنده معماری انقلاب اسلامی با معماری‌های دوران گذشته ایران، اهمیت دادن به زیبایی در عین سادگی است. فطرت انسان گرایش به زیبایی دارد. زیبایی ممدوح، انسان را به یاد خدا می‌اندازد.

رعایت نظافت مکان، قرارگیری هر فضا در جای خودش، تأمین عملکردهای مورد نیاز، تزئیناتی که روح انسان را تعالی بخشد، تناسب و هندسه‌های متناسب هر فضا و... می‌تواند زیبایی آن فضا را تضمین کند. همچنین طراحی بهینه فضا و جلوگیری از هدر رفتن آن در کنار به کار نرفتن مصالح، تزئینات، عناصر و نشانه‌های تداوی کننده وابستگی‌های دنیایی که مصادیق آن در کاخ‌های سلطنتی دیده می‌شد، می‌تواند سادگی در معماری را تحقق بخشد. خود بنا نیز نباید به کاربران فخرفروشی کند و نوعی تبرج از خود به نمایش بگذارد.

۳. میزان جهانی شدن

در هزاره جدید، جهانی تازه در حال ساخته شدن است. جریان جهانی شدن تمام جوامع را در ابعاد مختلف فرهنگی، علمی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، امنیتی و... تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این میان معماری به عنوان اجتماعی‌ترین هنر از این قاعده مستثنی نیست. اگر کشورها، زیرساخت‌های لازم برای مواجهه با پدیده جهانی شدن را فراهم نکرده باشند به خصوص مللی که دارای هویت و تاریخ غنی در زمینه هنر و معماری هستند، در این جریان آسیب خواهند دید. (اصفی و ایمانی، ۱۳۹۱: ۲۱)

همان‌طور که گفته شد در مواجهه با جریان جهانی شدن، باید هویت و ابعاد اسلامی، انقلابی و ایرانی آن حفظ شود، ولی پدیده جهانی شدن اثرات مثبتی نیز دارد که اصول انقلاب اسلامی نه تنها به کارگیری آن را نفی نمی‌کند بلکه بر آن تأکید نیز دارد. از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، چراغ راه تمدن اسلامی مجاهده علمی است. علم از دید ایشان و با استناد به روایات، سلطه‌آور است و جامعه صاحب علم را قدرتمند می‌سازد و کسانی که صاحب علم هستند، دنیای علم را از حیث علمی و عملی در چنبره خود دارند. (جهان بین و معینی‌پور، ۱۳۹۳: ۳۵)

بنابراین بررسی این موضوع در زمینه معماری می‌تواند در دو بعد علمی و عملی قرار گیرد. بدین معنا که ما باید به دنبال علم باشیم؛ اما آن را متناسب با فرهنگ‌ها و ارزش‌های خود به کار ببریم. (ولایتی، ۱۳۹۲)

بعد علمی آن مربوط به شناخت نظریه‌های جدید علمی و به کارگیری علوم اثبات شده در جهان است، که روز به روز در حال پیشرفت و بهتر شدن است. از طرف دیگر با کنار هم قرار گرفتن علوم جدید در جریان جهانی شدن و افزایش ارتباطات جوامع، می‌توان ایده‌های مفهومی زیادی را برداشت کرد که خود مولد و راهگشای ایده‌ها و علوم جدید توسط دانشمندان کشور خودمان باشد. (همان)

بعد عملی معماری به فناوری‌ها و تکنیک‌های اجرایی مربوط می‌شود. در این زمینه، اصول انقلاب اسلامی و توصیه رهبران، استفاده از فناوری‌های جدید اجرایی را در کنار رعایت چند نکته قابل توجه، مناسب می‌دانند. اول اینکه در اجرای آنها باید متخصصان بومی در الویت باشند. ثانیاً روش‌های استفاده شده صرفاً تقلیدی نباشند و طراحان، مسیر ابتکار و خلاقیت را بر خود نبندند که در این راستا ایجاد روش‌های ترکیبی سنتی و مدرن می‌تواند راهگشا باشد. (خامنه‌ای، ۱۳۸۳) ثالثاً در استفاده از روش‌های جدید تکنولوژی، نیازسنجی دقیق، متناسب با نیازهای فعلی و آینده انجام شود (همان) و به کارگیری فناوری‌های جدید به صرف نشان دادن قدرت و فخرفروشی صحیح نیست.

پیشبرد ابعاد علمی و عملی موازی با پیشرفت روز دنیا بسیار اهمیت دارد، ولی آنچه که مهم‌تر است، اصولی است که با این ابزار تجلی می‌یابد که همان هویت انقلاب اسلامی را نشان می‌دهد. استفاده از تکنولوژی و فناوری‌های جدید به عنوان یک وسیله، ارزشمند است ولی نباید خودش اصل معماری قرار گیرد.

۴. سلامت محور

سلامتی از مهم‌ترین نعمات خداوند است و حفظ آن از جمله مهم‌ترین مسئولیت‌های انسان محسوب می‌گردد. محققان و روانشناسان، سلامتی انسان را در دو بعد جسمی و روانی تقسیم‌بندی می‌کنند. بعد جسمی که سلامت بدنی نیز نام دارد، ناظر به بیماری‌های جسمی است و بعد روانی، ناظر به بیماری‌های مربوط به بخش روان مانند افسردگی، عدم اعتماد به نفس، عدم وجود آسایش ذهنی و ... است. امروزه مشکلات متعددی در زمینه سلامتی گریبان‌گیر شهرها شده است. آلودگی‌های زیست‌محیطی، عدم استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر، عدم تحرک و ... همگی باعث افزایش بیماری‌های جسمی و به تبع آن سردرگمی، کاهش روابط اجتماعی و ... شده که منجر به افزایش بیماری‌های روانی شده است. در جلوگیری و درمان این بیماری‌ها و ارتقاء هر چه بیشتر سلامتی، عوامل مختلفی تأثیر گذارند و بدون شک معماری و شهرسازی از این عوامل مستثنی نیست. از مؤلفه‌های معماری خوب، توجه کردن به بستر طراحی است به گونه‌ای که برای هدف نهایی در تکامل با دیگر اعضا باشد. در همین جاست که معماری و شهرسازی پیوند می‌خورند و یک معماری خوب و سالم به عنوان یک عضو تأثیرگذار شهری در اختیار طراحی سالم شهر قرار می‌گیرد. مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرمایند:

سیاست برای چیست؟ اقتصاد برای چیست؟ خدمات گوناگون شهری و کشوری برای چیست؟

اصلاً پیشرفت کشور برای چیست؟ پیشرفت برای این است که انسان‌ها زندگی سالم و مطلوبی داشته باشند. اگر محیط زیست تخریب شد، همه اینها باطل خواهد شد. اهمیت محیط زیست اینجاست. (خامنه‌ای، ۱۳۸۹)

توصیه نظریه‌پردازان نیز به طراحان شهری و معماران مبنی بر ساخت شهرهای سالم و بانشاط است: «به جای افزایش آسمان‌خراش‌ها به فکر ساختن شهرهای سالم، با نشاط و دارای روابط منطقی و طبیعی باشیم». (فنی، ۱۳۷۸)

امام راحل همواره بر مسئولیت هنرمندان نسبت به انسان‌ها تأکید داشتند. این مسئولیت شامل تأمین سلامت جسمی و روانی آنها نیز خواهد بود. بنابراین، معمار به عنوان یک هنرمند با ابزاری که در دست دارد، می‌تواند به این مسئولیت مهم عمل بپوشاند. با طراحی فضای باز مناسب و استفاده از انرژی‌های پاک و به کارگیری عناصر طبیعی نظیر آب، گیاه، باد در جهت حفظ محیط زیست و کم کردن سلطه ماشین در طراحی شهری برای اصالت دادن به پیاده‌مداری و همچنین توجه به ویژگی‌های اقلیمی منطقه به منظور کاهش تأثیرات بیشینه و کمینه دما و رطوبت، می‌توان سلامت جسمی کاربران بنا را افزایش داد.

در ساختمان‌ها از حیث روانی، معماران باید به رعایت اخلاق و عدالت توجه کنند. به فرموده امام خمینی: «هنر در عرفان اسلامی ترسیم روشن عدالت و شرافت و انصاف ... است». (امام خمینی، ۱۳۶۹: ۲۱ / ۳۰)

به عبارتی، معمار ترویج‌دهنده نظام طبقاتی نباشد. در طراحی هر مکانی، باید خدمات مورد نیاز و دسترسی‌های کاربران در هر سطح از رفاه و هر طبقه اجتماعی باشند و به بهترین وجه اجرا شود. معمار علاوه بر اینکه خود عدالت را رعایت می‌کند، با اثر هنرمندانه و سالم خود می‌تواند انتقادی به مشکلات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که سلامت روانی جامعه را به خطر انداخته نیز داشته باشد. امام خمینی در این زمینه می‌فرماید: «هنر در مدرسه عشق، نشان دادن نقاط کور و مبهم معضلات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی است». (همان) رعایت مقیاس انسانی در یک معماری متواضع می‌تواند جلوی تحقیر و کاستن اعتماد به نفس انسان را بگیرد و سلامت روانی اجتماع را افزایش دهد.

جمع‌بندی اصول معماری انقلاب اسلامی

سخنان تئوری‌پردازان انقلاب و شعارهای انقلاب نه فقط در هنر و معماری بلکه در تمامی عناصر ریز جامعه جریان دارد، ولی آنچه که از مقایسه نظرات می‌توان استنباط کرد، عینی شدن و تخصصی‌تر شدن تدریجی شاخصه‌های هنر و معماری در سیاست‌گذاری‌های انقلاب اسلامی با گذشت زمان است. شرایط پر تنش و درگیری در زمان امام خمینی ره ایجاب می‌کرد تا یک سری شعار و بحث‌های کلی راجع به معماری داشته باشیم، ولی اکنون به گونه‌ای تخصصی‌تر شاهد ارائه چشم‌اندازهای عمیق از سوی نظریه‌پردازان انقلاب هستیم. با توجه به جمع‌بندی مطالب ذکر شده جدول زیر از ویژگی‌های معماری انقلاب اسلامی پیشنهاد می‌گردد:

ویژگی‌ها	شاخه‌ها	زیر شاخه‌ها	روش‌های تحقق	سخنان نظریه پردازان انقلاب
هویت	بامعنا و نمادین	اسلامی(دینی)	استفاده محتاطانه از زبان شکلی معماری بیگانه با هویت اسلامی انقلابی استفاده از نشانه‌های نمادین و مفهومی برای: ایجاد حس معنوی و تحریک روح متعالی انسان ایجاد حس تحول و دگرگون کننده حالت قبل در	مستقل و ضد وابستگی راه ستیز با جهان‌خواران شرق و غرب مطابقت با اصول اعتقادی دینی و اخلاقیات انسانی برای تبلیغ دین توجه بیشتر به نشانه‌ها و آثار اسلامی، ایرانی، انقلابی در معماری عمومی استفاده از نمادهای انقلاب
		انقلابی	- نما - پلان - روابط فضایی	
هویت	بومی	ایرانی(مستقل)	توجه به زبان معماری ایران زمین در: - انتخاب مصالح بومی - ساماندهی روابط فضایی در پلان - تجربه‌های خاطره انگیز بنا در حس تعلق فضایی	پیشرفت کشور تنها براساس الگوی اسلامی - ایرانی رعایت شاخصه‌های بومی و اسلامی در شهر و خانه آشتی با گذشته به معنای الهام، نه تکرار
		دارای سبک	ایجاد سبک با تلفیق معماری بومی و آرمان‌های انقلاب	پیشرفت و فن‌آوری‌های بومی‌سازی شده متناسب با جامعه خود
زیبایی ساده	ساده و زیبا		سادگی مصالح به کار رفته عدم استفاده از عناصر اشرافی جلوگیری از هدر رفتن فضا در عین پاسخ‌دهی به عملکردهای مورد نیاز سادگی و خلوص در - نما - پلان - روابط فضایی	ضد فرهنگ رفاه و تجمل اهمیت زیبایی و فرق آن با تجمل
میزان جهانی شدن	علمی (نظری)		توجه به علوم اثبات شده در جهان به منظور نتایج بهینه به کارگیری ایده‌های مفهومی و مولد	افزایش درک عقلانی هنرمند بهره‌گیری از تخصص و صنعت پیشرفت علم و حرکت در جهت نقشه جامع علمی
	عملی (اجرایی)	استفاده از فناوری جدید	استفاده از فناوری‌های جدید برای اجرا	استفاده از ابتکارها و نیازهای نو
		بومی ابتکاری	استفاده از متخصصان بومی برای اجرا ایجاد روش‌های ابتکاری و خلاق	تغییر به اقتضای نیاز و متناسب با محیط و استفاده علمی و کاربردی

ویژگی‌ها	شاخه‌ها	زیر شاخه‌ها	روش‌های تحقق	سخنان نظریه پردازان انقلاب
سلامت محور	سهمی	کاربردی	متناسب با نیازهای فعلی پاسخ دهنده نیازهای آینده انعطاف‌پذیر و قابل گسترش	
		روانی	طراحی متناسب با اقلیم طراحی فضای باز و وسیع توجه به وجود درختان و ایجاد فضای سبز اصالت دادن به پیاده مداری استفاده از انرژی‌های پاک	حیاتی بودن مسئله محیط زیست و حفظ منابع طبیعی عدالت و انصاف هنرمند دارای مسئولیت نسبت به انسان‌ها
		اخلاقی و عادلانه	عدالت در تقسیم خدمات شهری دسترسی مناسب برای همه استفاده کنندگان پیش بینی خدمات مورد نیاز مصرف کننده رعایت مقیاس انسانی عدم اختصاص به یک قشر خاص و مردمی بودن	توجه به اخلاق انسانی و معارف والای دینی و الهی ساختن شهرهای سالم به جای افزایش آسمان خراش‌ها هنر انتقادی به نقاط کور اجتماعی، اقتصادی، سیاسی

نتیجه

انقلاب اسلامی ایران از جمله انقلاب‌های بزرگ در دنیا محسوب می‌شود که با تحول بنیادین و تغییر در قدرت همراه بود. قدرت به وجود آمده با نام جمهوری اسلامی به وسیله تحکیم ایدئولوژی و اندیشه اسلامی خود در همه زمینه‌ها می‌تواند روز به روز بر اقتدار خود بیافزاید. معماری انقلاب اسلامی نیز یکی از همین زمینه‌ها محسوب می‌گردد؛ به گونه‌ای هر چه ساخت و سازهای انجام شده در این دوران به اصول و ایدئولوژی انقلاب نزدیک‌تر باشد، تداوم انقلاب و ظهور و بروز قدرت آن افزایش خواهد یافت. در این مقاله سعی شد اصول نظری معماری مورد نظر انقلاب اسلامی و روش‌های تحقق و اجرای آنها بیان شود تا با به‌کارگیری آنها بتوان به معماری مطلوب دست یافت.

ارزیابی میزان قربت آنچه در معماری و شهرسازی سال‌های بعد از پیروزی انقلاب رخ داده با اصول مطرح شده، همچنین آسیب‌شناسی این اصول و چرایی عدم تحقق آنها در بعضی موارد، به عنوان سؤال تحقیق برای پژوهش‌های بعدی در این زمینه پیشنهاد می‌گردد.

منابع و مأخذ

۱. آصفی، مازیار و الناز ایمانی، ۱۳۹۱، «چالش‌های فناوری‌های نوین در معماری و تعامل آن با ارزش‌های معماری اسلامی ایران»، *باغ نظر*، تابستان، شماره ۲۱.

- ویژگی‌های آرمانی معماری انقلاب اسلامی ایران □ ۱۴۷
۲. آوینی، مرتضی، ۱۳۹۱، «انقلاب اسلامی از دیدگاه شهید آوینی آغازی بر یک پایان»، *روزنامه رسالت*، ۲۷/۰۱/۱۳۹۱.
 ۳. امام خمینی، سید روح الله، ۱۳۶۹، *صحیفه نور*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات. ج ۲۱.
 ۴. _____، ۱۳۶۷، نامه ۱۳۶۷/۸/۲۳ تحت عنوان «احداث مصلی تهران».
 ۵. بانی مسعود، امیر، ۱۳۸۸، *معماری معاصر ایران*، تهران، نشر هنر و معماری قرن.
 ۶. جهان‌بین، فرزاد و مسعود معینی پور، ۱۳۹۳، «فرآیند تحقق تمدن اسلامی از منظر آیت الله خامنه‌ای»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، سال یازدهم، زمستان، شماره ۳۹.
 ۷. حاج قاسمی، کامبیز، ۱۳۸۸، «مروری بر تاریخ معماری ایرانی - اسلامی» در *جستارهایی در چیستی هنر اسلامی*، تهران، مؤسسه نشر آثار هنری.
 ۸. حبیبی، محسن، ۱۳۸۵، *شرح جریان‌های فکری معماری و شهرسازی در ایران معاصر*، تهران دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
 ۹. حجت، مهدی، ۱۳۷۴، «معماری ایرانی در سخن چهار نسل از معماران صاحب نظر»، *آبادی*، سال پنجم، شماره نوزدهم، زمستان.
 ۱۰. _____، ۱۳۹۳، سخنرانی در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران به مناسبت روز معمار.
 ۱۱. حداد عادل، غلامعلی، ۱۳۸۷، سخنرانی در افتتاح نمایشگاه «مدرسه ایرانی، معماری ایرانی».
 ۱۲. حسینی، اکرم، ۱۳۹۰، «تبیین و تدوین گرایش‌های معماری معاصر ایران پس از انقلاب اسلامی مطالعه معماری سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۵ شهر تهران»، *هویت شهر، دو فصلنامه علمی، پژوهشی دانشکده هنر و معماری*، واحد علوم تحقیقات، شماره ۸، بهار و تابستان.
 ۱۳. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۷۴، بیانات در دیدار اعضای شورای فرهنگ عمومی استان‌ها.
 ۱۴. _____، ۱۳۸۰، بیانات در دیدار با جمعی از اصحاب فرهنگ و هنر.
 ۱۵. _____، ۱۳۸۳، بیانات در دیدار با جامعه مهندسين.
 ۱۶. _____، ۱۳۸۶، بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی.
 ۱۷. _____، ۱۳۸۹، بیانات در بوستان ولایت به مناسبت روز درختکاری، ۱۳۸۹/۱۲/۱۷.
 ۱۸. _____، ۱۳۹۰، خطبه نماز جمعه تهران، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴.
 ۱۹. شولتز، کریستین نوربرگ، ۱۳۸۷، *معماری: حضور، زبان و مکان*، ترجمه علیرضا سید احمدیان، تهران، انتشارات نیلوفر.

۲۰. صفوی، کوروش، ۱۳۸۳، *شکل‌گیری نشانه‌ها*، مجموعه مقالات اولین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر، تهران، انتشارات فرهنگستان هنر.
۲۱. علمی، قربان و بهزاد حمیدیه، ۱۳۸۹، «پیامدهای فرهنگ رفاه برای دین‌داری»، *مجله فلسفه و کلام اسلامی*، پاییز و زمستان، شماره ۲.
۲۲. عمید، حسن، ۱۳۵۶، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۲۳. فنی، زهره، ۱۳۷۸، «شهر و ارزش‌های انسانی»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی*.
۲۴. فوکو، میشل، ۱۳۷۸، *مراقبت و تنبیه، تولد زندان*، ترجمه افشین جهان‌دیده و نیکو سرخوش، تهران، نشر نی.
۲۵. قهرمانی، هومن، ۱۳۹۰، «قرائتی بر آرای پدیدار شناسانه کریستیان نوربرگ شولتز»، *آبادی*، شماره ۷۳، پاییز و زمستان.
۲۶. گروتو، یورک، ۱۳۷۵، *زیبا شناسی در معماری*، ترجمه دکتر جهان‌شاه پاکزاد و مهندس عبدالرضا همایون، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چ ششم.
۲۷. گواهی، زهرا، ۱۳۸۰، «هنر از منظر امام خمینی و فقهای شیعه»، *انقلاب اسلامی و دفاع مقدس*، تابستان، شماره ۳۶.
۲۸. مطهری، مرتضی، ۱۳۹۱، «آینده انقلاب اسلامی ایران»، تهران، انتشارات صدرا.
۲۹. ندیمی، هادی، ۱۳۷۰، «مدخلی بر آموزش معماری»، *نشریه علمی پژوهشی صفت*، سال اول، شماره دوم، تابستان.
۳۰. نقره‌کار، عبدالحمید، ۱۳۸۸، «آیا معماری امروز ایران محصول انقلاب اسلامی است؟»، *ماهنامه تخصصی منظر*، شماره چهارم.
۳۱. _____، مهدی حمزه‌نژاد و علی محمد رنجبر کرمانی، ۱۳۸۸، *درآمدی بر هویت اسلامی در معماری*، تهران، شرکت طرح و نشر پیام سیما، نشر تهران.
۳۲. نقی‌زاده، محمد، ۱۳۸۹، «تبیین رابطه فرهنگ نبوی و تمدن اسلامی»، *کتاب ماه هنر*، شماره ۱۴۱.
۳۳. نیک‌فطرت، مرتضی و الهام موسی پور، ۱۳۹۰، «بررسی جایگاه معماری معاصر بعد از انقلاب اسلامی»، www.magiran.ir، تاریخ دسترسی ۹۲/۸/۴.
۳۴. هاشمی، سیدرضا، ۱۳۷۹، «یادداشت‌های سردبیر (جبران خسارت)» *مجله معمار*، شماره دهم، پاییز.
۳۵. ولایتی، علی اکبر، ۱۳۹۲، سخنرانی در اجلاس مقدماتی شهر اسلامی.
36. Chandler, Daniel, 2007, *Semiotics: The Basics*, London, Routledge.